



دشمن در غزه نتوانسته هیچ غلطی بکند

در اولین روز از ماه مبارک رمضان «محفل انس با قرآن» بعدازظهر دوازدهم در حضور آیت‌الله خامنه‌ای در حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد. رهبر انقلاب در این مراسم در سخنانی تلاوت قرآن را «هنر مقدس» خواندند و تاکید کردند: «باید هدف اصلی از این کار بسیار ارزش، انتقال معنی و پیام قرآن به آحاد مردم و جامعه و زمینه‌سازی برای تدبیر در قرآن باشد.»

آیت‌الله خامنه‌ای با اظهار خرسندی از تعداد بالای قاریان جوان «صحیح‌خوان» و «خوش‌خوان» در کشور، رشد فزاینده قاریان جوان را از نعمت‌های بزرگ انقلاب اسلامی برشمردند و افزودند: «قرآن یک هنر الهی و خدایی است و مهم‌ترین وظیفه قاری قرآن، انتقال معانی و «تصویرسازی‌های قرآن» در موضوعات مختلف، به ذهن مستمعین است، بنابراین قاریان قرآن مصداق مبلّغین رسالت‌های الهی هستند و خود را نیز باید با شرایط یک مبلّغ رسالت‌های الهی تطبیق دهند.»

ایشان در ادامه ضمن بیان چند توصیه تخصصی به قاریان قرآن، بر لزوم گسترش و تکثیر «حلقات و جلسات قرآنی» در مساجد و منازل تاکید کردند و گفتند: «در جلسات قرآنی باید به ترجمه و تفسیر قرآن نیز توجه ویژه شود تا زمینه ارتقای سطح معارف دینی جامعه به وجود آید.»

رهبر انقلاب با اشاره به پخش تصاویری از غزه و تلاوت قرآن به‌وسیله نوجوانان در غزه، خاطرنشان کردند: «قله استقامتی را که امروز در غزه شاهد هستیم، نتیجه فهم قرآن و عمل به آن است.» آیت‌الله خامنه‌ای شرایط غزه را از دو بُعد در «اوج» توصیف کردند و افزودند: «امروز در غزه از یک طرف شاهد اوج جنایت و وحشیگری و ظلم هستیم و از طرف دیگر اوج ایستادگی و استقامت نیز مشاهده می‌شود.»

ایشان جنایت‌های کم‌سابقه در غزه همچون کشتن کودکان و نوزادان از طریق گرسنگی و تشنگی را مفتضح کننده تمدن غرب خواندند و تاکید کردند: «بدرغم آنکه صهیونیست‌ها از انواع سلاح‌ها و کمک‌های آمریکا و غرب برخوردار هستند اما با صبر بی‌نظیر مردم غزه و ایستادگی رزمندگان مقاومت تاکنون دشمن هیچ غلطی نتوانسته بکند و حدود نود درصد امکانات و توانایی‌های مقاومت محفوظ است.»

رهبر انقلاب خاطرنشان کردند: «به لطف و فضل الهی مقاومت بینی صهیونیست‌ها را به خاک خواهد مالید.»

آیت‌الله خامنه‌ای کمک به مردم غزه را تکلیف دینی دنیای اسلام برشمردند و گفتند: «هرگونه کمک به دشمن صهیونیستی حرام قطعی و جنایت واقعی است و متأسفانه برخی دولت‌ها و کشورهای اسلامی این کار را انجام می‌دهند اما روزی پشیمان خواهند شد و آن‌الله سزای این خیانت را خواهند دید.»



اداره مجلس آینده دست‌تندروها نمی‌افتد

مهرداد لاهوتی، یکی از منتخبان راه‌یافته به مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با فردانیز در باره ترکیب مجلس آینده گفت: «هرچند نمایندگان اصولگرا اکثریت کرسی‌های مجلس آینده را در اختیار دارند اما آنها دو فرآکسیون شامل میانه‌روها و همسویان با جبهه پایداری تشکیل خواهند داد و یک فرآکسیون هم از مستقلین تشکیل خواهد شد. تعداد اعضای فرآکسیون مستقل ۶۰ تا ۷۰ نفر خواهد بود که به مرور زمان پیش‌بینی می‌شود تعداد اعضای این فرآکسیون افزایش پیدا کند؛ اتفاقی که در مجلس دهم افتاد.» او درباره وزن تندروها در مجلس آینده گفت: «چنین فضایی را نمی‌بینم که تندروها اکثریت شوند. معتقدم اکثریت کرسی‌ها در اختیار اصولگرایان معتدل و مستقلین خواهد بود؛ بنابراین اداره مجلس دوازدهم دست‌تندروها نخواهد افتاد.»

انقلاب، سنت‌ها و بحران‌ها

مناظره احمد زیدآبادی و سعید آجرلو درباره اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی/بخش اول



گروه سیاسی: سرمایه اجتماعی، افول و صعود آن از جمله پراهمیت‌ترین موضوعاتی است که هم حکومت‌ها و هم فعالان سیاسی و اجتماعی بر حفظ آن و جایگاهش تاکید دارند، بزنامه «خط» با همکاری «اندیشکده شرح» و «خانه اندیشه روزان»، مناظره‌ای با موضوع «سرمایه اجتماعی» و با عنوان «اعتماد اجتماعی آشکار ولی پنهان» با حضور احمد زیدآبادی، فعال سیاسی و سعید آجرلو مدیرمسئول روزنامه صبح نوانجام داده است که در بخش اول آن که در ادامه می‌آید به وضعیت جامعه پیش و پس از انقلاب و سرمایه اجتماعی حکومت و گسستی که بین نسل Z و جامعه ایجاد شده، پرداخته‌اند.

▲ برای شروع بحث، قرار بر این است که «تصویر، توصیف و

تبیین و تجویز در عرصه سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی» را مورد ارزیابی قرار دهیم، با این تیتیر در ابتدا تصویری اجمالی از محبت را ارائه دهید.

احمد زیدآبادی: همانطور که ارسطو گفته‌است: «آدمیزاد موجود مدنی طبیعی است»، یعنی مجبور است جمعی زندگی کند و برای اینکه جمعی زندگی کند یک الزاماتی وجود دارد. آدمیزاد برای اینکه بتواند روابط جمعی‌اش را درست تنظیم کند و بقا پیدا کند، در درجه اول به اعتماد به همدیگر نیاز دارند و بدون این اعتماد شما همیشه از دیگران در هراس هستید و همواره فکر می‌کنید که می‌خواهند یا کلاه سر شما بگذارند یا جیب‌تان را خالی کنند یا به شما تعرض کنند... بنابراین اعتماد به معنای یک چسب اجتماعی، به‌عنوان چیزی که جمعیت را نسبت به رفتار دیگری تا حدی مطمئن می‌کند، اساساً ضرورت ادامه بقای اجتماعی است. هر چیزی که به این اعتماد و به همکاری و به انسجام و به همبستگی جامعه کمک کند، می‌شود یک بخشی از سرمایه اجتماعی که شبیه سرمایه مالیست و باعث دوام بقا و انسجام و همکاری اجتماعی می‌شود.

عناصر اصلی در سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل بین انسان‌هاست که می‌تواند اعتماد بین دو فرد، بین اجزای یک سازمان یا ارگان، بین کل سازمان اجتماعی و بین دولت و جامعه به‌صورت متقابل باشد. این خلاصه‌واری است از اینکه اساساً بدون اعتماد اجتماعی، شیرازه جامعه از هم می‌پاشد و در جوامعی که سطح اعتماد بالاست، بین افراد جامعه و ارگان‌های مختلف و بین دولت و جامعه، این جوامع از استحکام بالایی بقا برخوردار است و به میزانی که این اعتماد ضعیف می‌شود، در معرض خطر فروپاشی و خطر انهدام قرار می‌گیرد.

▲ **مقام معظم رهبری** یک تعریفی دارند با عنوان «ساخت درونی جامعه» (یا کشور)، این تعریف ساخت درونی با مفهوم سرمایه اجتماعی نسبتی دارد یا نه تعریف دیگری دارد، تعریف شما از سرمایه‌ی اجتماعی را بشنویم و با این عنوان مقایسه‌اش کنیم.

سعید آجرلو: به‌نظرم تعریف آقای دکتر، تعریف درستی است فقط من چند تا نکته به آن اضافه می‌کنم، ببینید مفهوم سرمایه اجتماعی به شکل مدرن آن، که توسط پاتنام و یک مقداری هم فوکویاما جلورفته و ادبیاتش تولید شده، در واقع تا حدودی مابه‌ازای سرمایه اقتصادی که مارکس می‌گوید و اساساً مارکسیست‌ها درباره‌اش صحبت می‌کنند و تبدیل کردن و توسعه دادن سرمایه از حوزه‌ی اقتصاد به حوزه انسانی و اجتماعی است.

▲ **یعنی مفهوم سرمایه را از اقتصاد وام گرفته‌اند...**

آجرلو: دقیقاً یعنی در آن جا فقط بُعد مادی سرمایه را ندیدند و آن چیزی که مربوط به حوزه عینی و به قول مارکس حوزه کار و این‌ها می‌شد و زیرساخت سرمایه کار بود دیگر، که او می‌گفت کارگرها به وسیله کارشان سرمایه درست می‌کنند و سرمایه‌دار استفاده می‌کند. مفهوم سرمایه حداقل یک همچین بستری دارد و جلوتر آمده و کاری که جامعه‌شناسان کردند، مفاهیمی مثل همبستگی و نگرانی از همبستگی در جهان مدرن اصطلاحاً همبستگی ارگانیک که وقتی جامعه از سنت به سمت مدرنیته می‌رود، چه بر سر همبستگی‌ها می‌آید و آن‌جا از مفهوم از هم‌گسختگی صحبت می‌کنند و حتی از مفهوم از خودبیگانگی، پس بستر و دلیل مطرح شدن موضوع سرمایه اجتماعی این است.

سرمایه اجتماعی در تعریف سیاسی و یا حتی دانشگاهی، به‌نظر من نیاز به یک مقدار دقیق‌تر شدن دارد. در تعریف پاتنام، سرمایه اجتماعی خیلی جنبه‌های حکومتی و دولتی ندارد و روابط بین انسان‌هاست و یک نوع بازتولید همان مفاهیم همبستگی سنتی است. از این بابت، رابطه بین افراد جامعه، آن چیزی است که مراد می‌کنند از سرمایه اجتماعی. به‌عنوان مثال، در یک دورانی آدم‌ها به یکدیگر بیشتر اعتماد می‌کردند که پشت‌چک همدیگر را امضا کنند، ضامن یکدیگر شوند، اما در دوران جدیدتر، شاید یک مقداری با اعتماد کمتری به هم این کار را انجام دهند. شاید حسن‌ظن به هم نداشته‌باشند و این یکی از مقیاس‌هایی است که برای سرمایه اجتماعی به کار می‌برند؛ تعاملات اجتماعی، گروه‌های مدنی، یک

حوزه که روابط دولت و ملت می‌شود را شاید بشود به همین کلمه اعتماد، مفهوم اعتماد درباره‌ی آن بحث کرد که اصلاً روابط بین دولت و ملت چگونه است. پس ما یک موضوع روابط ملت با ملت داریم یا روابط اجتماعی داریم و یک موضوع هم روابط این ملت با دولت؛ که فکر می‌کنم دو تا بحث مجزا است و به همدیگر هم وابسته است، یعنی هر دو به هم ربط دارد، ولی آن چیزی که بخواهم خلاصه کنم، معیار و مبنای همبستگی اجتماعی است. به نظر من روح و وجدان جمعی است و آن چیزی است که نشانگر وجود یا ضعف شدن بد قدرتمندتر شدن سرمایه اجتماعی در یک جامعه است.

▲ **آن مفهومی که عرض کردم...**

آجرلو: ببینید من فکر می‌کنم تعاریفی که من گفتم، تعاریفی است که عمدتاً پیش‌زمینه غربی دارد و جزو علوم انسانی و اجتماعی غربی است. ما یک مفهوم جامعه اسلامی داریم که مبنا و اصل و خالص و ناپ آن برمی‌گردد به جامعه‌ی مدینه‌النبی پیامبر اسلام (ص)، کار بزرگی که پیامبر کردند، شکل ساختارهای موجود را یعنی ساختارهای قبل از بعثت را که مبتنی بر نابرابری‌های قومی، جنسیتی و امثالهم بود، این‌ها را به هم زدند، یعنی مبنای تعریف دوباره از انسان را تقوا و رابطه با خدا قرار دادند و این یک ساختار اجتماعی هم درست کرده که تداوم آن بعد از پیامبر، جز یک دوره کوتاه پنج‌ساله، محقق نشد... بنابراین در تاریخ ایران همیشه به نوعی شکاف دولت و ملت داشتیم، حداقل برای ۱۳۰ تا ۱۴۰ سال گذشته می‌شود مصداق زیادی آورد. در آن اوایل دهه ۶۰ یا اوایل جنگ و پس از انقلاب، شما نوع روابط افراد جامعه با همدیگر، روابطشان با دولت، اعتماد... و رامی‌بینید که خیلی متفاوت بود.

پس من فکر می‌کنم که یک تعریف دینی و اسلامی هم داریم که جاهای زیادی می‌تواند با این حرف‌های دانشگاهی و آکادمیک و غربی تناسبی داشته‌باشد، منتهی یک نقاط افتراق بزرگی دارد که جلوتر با هم صحبت می‌کنیم.

▲ **با همین تعریفی که از سرمایه اجتماعی فرمودید، وضعیت سرمایه اجتماعی را در ایران چگونه تحلیل می‌کنید و روند آن را خصوصاً در ۴۰ سال بعد از انقلاب یا اگر مایل بودید قبل‌تر از آن، این را چطور می‌بینید و توصیف‌تان چگونه است؟** رو به افزایشیم؟ رو به کاهشیم؟ و بالاخره اوضاع را چطور می‌بینید. **زیدآبادی:** برای این، من یک ماجرا را تعریف کنم. هفته گذشته، ماشین ما در یک سرازیری بود و در یک لحظه غفلت، با اینکه ترمز دستی کشیده شده بود و در دنده بود، راه افتاده و به ماشین پارک شده بر خورد کرد. یک شماره تلفن نوشتیم که یک همچین اتفاقی افتاده و رفتیم. تا دو روز کسی زنگ نزد و بعد یک خانمی که اتفاقاً از هم‌شهری‌ها هم بودند، تماس گرفتند که من زنگ نزد که از شما غرامتی دریافت کنم، زنگ زدم که بگویم چطور در همچین وضعیت اجتماعی یک نفر پیدا می‌شود که شماره‌اش را بگذارد و تقریباً هیچ‌کس چنین کاری نمی‌کند، خود تعجب این خانم علامت این است که تقریباً سرمایه اجتماعی با نام اعتماد متقابل در وضعیت بحرانی قرار دارد. شما به ندرت می‌بینید آدم‌ها نسبت به هم اعتماد داشته‌باشند، همه همدیگر را در قالب یک آدمی که می‌خواهد یک کلاهبرداری‌ای کند یا

ریگی در کفش دارد... می‌بینند، در حالی که این جامعه قبلاً اینگونه نبود. در دوران شاه یا قبل‌ترش، گاهی یک نفر یک لاج سبیلش را گرو می‌گذاشت و این به‌عنوان سند پذیرفته شده بود و اعتماد می‌کردند یا اتفاقاً آدم‌های مذهبی در آن دوره کسانی بودند که همه یک اعتمادی بهشان داشتند چون فکر می‌کردند که مرزها را رعایت می‌کنند تازه آن موقع دولت سکولار بود و گرایشانی داشت و با ظاهر شرعی همخوانی نداشت ولی در بدن جامعه، اخلاقیات و اصول مذهبی باعث چسب اجتماعی ما بود. بعد از انقلاب که دولت برای خودش یک مسئولیت دینی تعریف کرد و این را با قدرت و سیاست مخلوط کرد، این اثر معکوس شد؛ یعنی در سطح جامعه می‌بینیم که آن چسب‌هایی که اتفاقاً یک موقعی خیلی جدی بودند و اکثریت قاطعی از جامعه به این‌ها اعتماد داشتند و از مفهوم خدا، مردانگی، [امام] علی (ع)، [امام] حسین (ع)... کسانی که حامل و ضامن این اصول بودند، مورد احترام بودند و این، به سمت گسست‌رفته و الان شما با یک وضعیتی روبه‌رو هستید که کامیاب دارد شبیه آن چیزی که دورکیم می‌گوید، دوره آنومیک می‌شویم یعنی چسب‌های اجتماعی مبتنی بر سنت‌ها و اخلاقیات مذهبی از هم باز شده، ولی چیز جدید یا یک مفهوم مدرنی هم جایگزین نشده است. در این دوره است که شما با تلاطم اجتماعی، به میزان زیادی از فروپاشی خانواده و روابط خارج از خانواده، خیانت یا طلاق و خودکشی و این‌ها خیلی مواجه می‌شوید. فکر کنم آثارش دارد پیدا می‌شود. ببینید ما پیمایش‌های علمی دوره‌ای مشخص نداریم که به آن‌ها تکیه کنیم و بگوییم چنین و چنان است ولی به‌عنوان افرادی که در جامعه زندگی می‌کنیم و روابطی داریم... این تجربه زیستی را می‌توان دو جور دید یکی آدم عادی است که تجربه دارد و یکی هم آدمیست که سعی می‌کند دید اجتماعی پیدا کند یعنی روابط اجتماعی را در غیاب آن پیمایش‌های علمی یک نوع استمراج کند و این آدم اگر بی‌طرف باشد و تعصب نداشته‌باشد و نخواهد یک چیزی را به زور تحمیل کند بر واقعیتی که خارج از ذهن‌تان وجود دارد، و همینطور روابط جمعی متکثری داشته‌باشد یعنی فقط با یک گروه و قشر در ارتباط نباشد؛ این همان استمراجی که می‌کند به نظر من می‌تواند در حد زیادی متقن باشد. حالا من به نوبه خودم سعی می‌کنم اینگونه نگاه کنم، یعنی وقتی به شهرستان‌ها می‌روم دائم از این موضع نگاه می‌کنم... [آ...]

▲ **آیا شما هم این نزولی را که آقای زیدآبادی توضیح دادند، می‌پذیرید و تایید می‌کنید یا با شواهدی که در نظر سنجی‌ها و پیمایش‌ها هست مطابق می‌بینید یا اینکه نظر دیگری دارید؟** **آجرلو:** خدمت شما عرض کنم که روند اصول سرمایه اجتماعی چه به مفهوم غلبه فرد بر جمع یعنی آن بخش ملت با ملت، و چه به مفهوم دولت با دولت، در سطح جهانی رو به افول است.

▲ **یعنی تایید می‌کنید و می‌گویید که در سطح جهانی است.** **آجرلو:** بله، ببینید در پیمایشی که جدیداً انجام شده بود فکر می‌کنم در ۲۸ کشور دنیا، از بین کسب و کارها، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی و احزاب، بیشترین اعتبار و مرجعیت را کسب و کارها داشتند، یعنی با یک فاصله خیلی زیادی کسب‌وکارها معتمد مردم بودند. جدا از آن جنبه خدماتی و اقتصادی‌شان، از نظر فرهنگی و معنوی هم مورد اعتماد مردم

